

کتاب دانیال - شماره دویستم

انکشاف نبوت: دوسری جمع‌آوری اور اس کی اہمیت ایڈونٹسٹ علم آخرالزمان میں

Jeff Pippenger

2024-05-05

ما در حال بررسی دورہ نبوی ای هستیم که به عنوان گردآوری دوم معرفی شده است؛ گردآوری ای که نخست نبی اشعیا و سپس خواهر وایت آن را مشخص کرده‌اند.

و در آن روز، ریشه‌ای از یسّی برپا خواهد شد که برای قوم‌ها علمی خواهد بود؛ امت‌ها به سوی او خواهند آمد، و آرامگاه او پرچال خواهد بود. و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند بار دیگر، برای بار دوم، دست خود را دراز خواهد کرد تا باقیمانده قوم خویش را که باقی مانده‌اند، از آشور و از مصر و از پتروس و از کوش و از عیلام و از شینعار و از حمت و از جزایر دریا باز آورد. و او برای امت‌ها علمی برپا خواهد کرد، و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد، و پراکندگان یهودا را از چهار گوشه زمین جمع خواهد کرد. همچنین حسد افرایم زایل خواهد شد، و دشمنان یهودا منقطع خواهند گردید؛ افرایم بر یهودا حسد نخواهد برد، و یهودا افرایم را نخواهد آزد. اشعیا 11:10-13.

وقتی قوم آخرالزمانی خدا برای بار دوم گرد آورده می‌شوند، در میان آن شاگردان وحدتی پدید می‌آید که به وسیله ده روزی که پیش از پنتیکاست سپری شد، بازنمایی گردیده بود؛ و اشعیا از آن به عنوان زمانی یاد می‌کند که در آن، «حسد افرایم نیز برطرف خواهد شد، و خصمان یهودا منقطع خواهند گردید؛ افرایم بر یهودا حسد نخواهد برد، و یهودا افرایم را نخواهد آزد.»

"امتحان‌ها بر قوم خدا خواهد آمد و علف‌های هرز باید از گندم جدا شوند. اما افرایم دیگر بر یهودا حسد نوزد، و یهودا نیز دیگر افرایم را نیازارد. سخنان مهربان، لطیف و مشفقانه از دل‌ها و لب‌های تقدیس‌شده جاری خواهد شد. ضروری است که ما متحد باشیم، و اگر همگی در پی حلم و فروتنی مسیح باشیم، ذهن مسیح را خواهیم داشت، و یگانگی روح پدید خواهد آمد." Review and Herald، 19 مارس 1895.

یکپارچگی از عناصر کاری است که مسیح هنگامی به انجام می‌رساند که صد و چهل و چهار هزار تن را برای بار دوم گرد می‌آورد. این وحدت به وسیله ده روز منتهی به پنتیکاست، و شش روز گردهمایی اردویی اکستر، نمادپردازی شده بود، و می‌توانست از سال ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۳ تحقق یابد، اگر آنان که نومیدی عظیم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را تجربه کرده بودند، راه خود را گم نکرده بودند.

«اما در دوره تردید و عدم یقینی که پس از آن ناامیدی فرا رسید، بسیاری از ایمانداران ادونتیست ایمان خود را از دست دادند. اختلافات و تفرقه‌ها پدید آمد... بدین‌سان کار به تأخیر افتاد، و جهان در تاریکی واگذاشته شد. اگر تمامی پیکره ادونتیست بر احکام خدا و ایمان عیسی متحد می‌ماند، تاریخ ما تا چه اندازه به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد!»

«این اراده خدا نبود که آمدن مسیح بدین‌سان به تأخیر افتد. خدا مقرر نداشت که قوم او، اسرائیل، چهل سال در بیابان سرگردان شوند. او وعده داده بود که ایشان را بی‌درنگ به سرزمین کنعان رهبری کند و در آنجا ایشان را قومی مقدس، سالم و سعادت‌مند برپا سازد. اما آنان که این بشارت نخست به ایشان اعلام شد، به سبب «بی‌ایمانی» داخل نشدند (عبرانیان ۳:۱۹). دل‌های ایشان از شکایت، عصیان و نفرت آکنده بود، و او نتوانست عهد خود را با ایشان به انجام رساند.»

«چهل سال بود که بی‌ایمانی، غرولند، و طغیان، اسرائیل باستان را از سرزمین کنعان محروم ساخت. همین گناهان، ورود اسرائیل جدید را به کنعان آسمانی به تأخیر انداخته است. در هیچ‌یک

از این دو مورد، وعده‌های خدا مقصر نبوده است. این بی‌ایمانی، دنیاگرایی، عدم تقدیس، و نزاع در میان قومی که به ظاهر از آن خداوندند، ما را این همه سال در این جهان گناه و اندوه نگاه داشته است.» Selected Messages, book 1, 68, 69.

نزول فرشتهٔ دوم، پراکندگی‌ای را در نخستین نومیدی که آغازگر زمان درنگ بود مشخص ساخت، و سپس به دوره‌ای شش‌روزه در گردهمایی اردویی اکستر انجامید که در آن، پیش از افاضهٔ روح‌القدس در پیام فریاد نیمه‌شب در پایان آن اجتماع، یگانگی بر سر پیام حاصل شد.

نزول فرشتهٔ سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، پراکندگی‌ای را در مصیبت عظیم مشخص ساخت و با گشوده شدن حقایق مرتبط با قدس‌الاقداص بر قوم خدا، دورانی از تعلیم را آغاز کرد. تا سال ۱۸۴۹، خداوند دست خود را دراز می‌کرد تا قوم خویش را برای بار دوم با هم جمع کند، و تا سال ۱۸۵۱، نمودار ۱۸۵۰ ارائه می‌شد. آن نمودار، پیام بنیادی را نمایندگی می‌کرد، و همان پیامی بود که می‌بایست به مثابهٔ علمی در برابر جهان برافراشته شود.

گردآوردن دوم شاگردان به وسیلهٔ مسیح، بلافاصله با نزول او آغاز شد، و گردآوردن آنان که در اکستر بودند، در خلال دوره زمان درنگ آغاز گردید. در تاریخ شورش ۱۸۶۳، گردآوردن دوم دست‌کم پنج سال پس از آغاز فرایند آموزشی‌ای شروع شد که هنگامی آغاز شده بود که نور قدس در سال ۱۸۴۴ آشکار گردید. در سال ۱۸۴۸، اسلام در آن هنگام ملت‌ها را به خشم می‌آورد. گردآوردن دوم به منزلهٔ کاری تربیتی به تصویر کشیده شده است که با فرارسیدن ده روزی که پیش از پنتیکاست بود، و نیز با شش روز اجتماع اردویی اکستر، به انجام می‌رسد، و می‌بایست تا سال ۱۸۵۶ کامل شده باشد.

کار گرد آوردن قوم او برای بار دوم، کار پایانی فرشتهٔ سوم است، و این به دست مسیح انجام می‌گیرد.

اور جب سبت کا دن آیا تو وہ عبادت خانہ میں تعلیم دینے لگا؛ اور بہت سے لوگ اسے سن کر حیران ہوئے اور کہنے لگے، اس شخص کو یہ باتیں کہاں سے ملیں؟ اور یہ کیسی حکمت ہے جو اسے دی گئی ہے کہ ایسے قادرانہ کام بھی اس کے ہاتھوں سے ظاہر ہوتے ہیں؟ مرقس 2:6.

پراکندگی‌ای کہ هنگامی رخ می‌دهد کہ نماد الهی فرود می‌آید، فرایندی از آزمون را آغاز می‌کند کہ در نہایت دو طبقه از پرستندگان را آشکار می‌سازد، و بدین‌سان هیکل را تطہیر می‌کند.

جس کا چہاج اُس کے ہاتھ میں ہے، اور وہ اپنے کھلیان کو خوب صاف کرے گا، اور اپنے گہیوں کو کوٹھے میں جمع کرے گا؛ لیکن بھوسی کو وہ اُس آگ سے جلا دے گا جو کبھی نہ بجھے گی۔ متی 3:12

در آن دوره، قوم خدا باید پیام را از دست فرشته برگیرند و آن را بخورند.

اور میں نے ایک اور زورآور فرشتہ کو آسمان سے اترتے دیکھا، جو بادل اوڑھے ہوئے تھا؛ اور اس کے سر پر قوس قزح تھی، اور اس کا چہرہ گویا آفتاب تھا، اور اس کے پاؤں آگ کے ستونوں کی مانند تھے۔ اور اس کے ہاتھ میں ایک چھوٹی کتاب کھلی ہوئی تھی؛ اور اس نے اپنا دہنا پاؤں سمندر پر، اور بایاں پاؤں زمین پر رکھا۔ مکاشفہ 10:1، 2.

با ورود فرشتهٔ دوم در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴، قوم خدا پراکنده بودند. آنان در آغاز، با تحقق نبوت مکاشفہ، باب نهم، آیہ پانزده، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ گرد آورده شده بودند؛ اما خداوند دست خود را بر خطایی در محاسبهٔ برخی از ارقام روی نمودار نگاه داشته بود.

visto que el cuadro de 1843 fue dirigido por la mano del Señor, y que no debía ser 74» alterado; que las cifras eran como Él quería que fuesen; que Su mano estuvo sobre él y ocultó un error en algunas de las cifras, de modo que nadie pudiera verlo, hasta que

برداشتہ شدن دست او به ساموئل اسنو اجازه داد تا تاریخ درست رؤیایی را که به تأخیر افتاده بود، تشخیص دهد.

«آن وفاداران دل شکسته، که نمی‌توانستند دریابند چرا خداوندگارشان نیامد، در تاریکی واگذاشته نشدند. بار دیگر به کتاب مقدس‌های خود هدایت شدند تا ادوار نبوتی را بررسی کنند. دست خداوند از روی ارقام برداشته شد، و اشتباه توضیح داده شد. ایشان دیدند که ادوار نبوتی تا سال ۱۸۴۴ امتداد می‌یافت، و همان شواهدی که برای نشان دادن این‌که ادوار نبوتی در ۱۸۴۳ پایان می‌یافت، ارائه کرده بودند، ثابت می‌کرد که آن‌ها در ۱۸۴۴ خاتمه خواهد یافت.» Early Writings, 237

د لومړۍ او دوهمې فرېنټې تاريخ د نننۍ يوه لړۍ په ځان کې لري چې د مسيح له لاس سره تړاو لري. کله چې هغه د ۱۸۴۰ د اگست په ۱۱مه او د ۱۸۴۴ د اپرېل په ۱۹مه راکښته شو، په خپل لاس کې يې يو پيغام درلود. همدا د هغه لاس و چې د ۱۸۴۲ د مې په مياشت کې يې د ۱۸۴۳ د جدول د جوړولو او خپرولو لارښوونه وکړه. همدا د هغه لاس و چې په جدول کې يې د شمېرو يوه تېروتنه مهر کړه. د هغې لومړنۍ ناهيلۍ له خپرېدو وروسته، ارميا د مسيح د لاس له امله يوازې کښېناست. بيا هغه خپل لاس ليرې کړ، او په دې توگه يې د نيمې شپې د فرياد پيغام بې‌مهره کړ. د خپل لاس د غځولو عمل، څو خپل قوم دوهم ځل راتول کړي، له لومړنۍ ناهيلۍ څخه تر اېکسپټر د خېمې تر غونډې پورې واقع شو؛ لکه څنګه چې شاگردان په پای کې په اورشلیم کې د لسو ورځو لپاره، د روح‌القدس د تويېدنې څخه وړاندې، سره راتول شول. د ۱۸۴۴ د اکتوبر په ۲۲مه، د درېيمې فرېنټې په راتګ سره، څښتن خپل لاس پورته کړ.

اور جس فرشته کو میں نے سمندر اور زمین پر کھڑا دیکھا تھا، اُس نے اپنا ہاتھ آسمان کی طرف اٹھایا، اور اُس کی قسم کھائی جو ابدالآباد زندہ ہے، جس نے آسمان اور اُن سب چیزوں کو جو اُس میں ہیں، اور زمین اور اُن سب چیزوں کو جو اُس میں ہیں، اور سمندر اور اُن سب چیزوں کو جو اُس میں ہیں پیدا کیا، کہ پھر وقت نہ رہے گا۔ مکاشفہ 10:5، 6.

از نخستین اجتماع در 11 اوت 1840 تا 22 اکتبر 1844، تاریخ فرشتهٔ اول و دوم به دست مسیح رقم خورده است. در 22 اکتبر 1844، فرشتهٔ سوم فرود آمد و گلهٔ کوچک میلیتی به سبب نومیدی بزرگ پراکنده شد. در آن تاریخ، مسیح دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و سوگند خورد که دیگر زمانی نخواهد بود.

دومین گردآوری در تاریخ 1844 تا 1863 با این آغاز شد که مسیح دست خود را برافراشت، در حالی که هم‌زمان پیامی را نیز در دست خود داشت تا خورده شود. سپس در 1849، او برای بار دوم دست خود را دراز کرد تا قوم پراکندهٔ خویش را گرد آورد. آن قوم به واسطهٔ پیام فرياد نیمه‌شب گرد آورده شده بودند و هنگامی پراکنده شدند که رویداد پیشگویی‌شده رخ نداد. در گردهمایی اردویی اکستر، مسیح گلهٔ خود را گرد آورد و آنان را بر پیام متحد ساخت، چنان‌که در آن ده روزی که پیش از پنطیکاست بود، چنین کرده بود. میلی‌های فیلا دلفیایی گردهمایی اردویی اکستر را ترک کردند و پنطیکاست را تکرار نمودند. در 1856، مسیح بیرون از آن جنبشی بود که به لائودیکیه انتقال یافته بود، زیرا مسیح بیرون قلب یک لائودیکیه‌ای ایستاده است و در می‌کوبد و در پی ورود است.

भीतर पास उसके मैं तो, खोले द्वार और सुने शब्द मेरा कोई यदि; हूँ खटखटाता हुआ खड़ा पर द्वार मैं, देखो
3:20 प्रकाशतिवाक्य साथ। मेरे वह और, करूँगा भोजन साथ उसके और, आऊँगा

در سال ۱۸۵۶، دست مسیح بر جنبش میلری لائودیکیه می‌کوبید، اما بی‌فایده. در سال ۱۸۴۹، هفت سال پیش از آن، او برای بار دوم آغاز کرده بود که قوم خود را گرد آورد، اما شک و بی‌اطمینانی جنبش فیلادلفیا را متوقف ساخت.

«اگر ادونتیست‌ها پس از نومییدی عظیم سال ۱۸۴۴ بر ایمان خود استوار می‌ماندند و در عنایت گشاینده خدا به اتفاق پیش می‌رفتند، پیام فرشته سوم را می‌پذیرفتند و آن را در قدرت روح القدس به جهان اعلام می‌کردند، نجات خدا را می‌دیدند، خداوند با مساعی ایشان به طرزی عظیم عمل می‌کرد، کار به انجام می‌رسید، و مسیح پیش از این آمده بود تا قوم خود را برای پاداششان بپذیرد. اما در دوره شک و عدم یقین که پس از آن نومییدی در پی آمد، بسیاری از ایمانداران ادونت ایمان خود را واگذاشتند.... بدین سان کار به تأخیر افتاد، و جهان در تاریکی واگذاشته شد. اگر تمامی پیکر ادونتیست بر احکام خدا و ایمان عیسی متحد می‌شد، تاریخ ما تا چه اندازه متفاوت می‌بود!» Evangelism, 695.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مسیح قوم ایام آخر خویش را گرد آورد؛ قومی که پس از آن، در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، پراکنده شدند. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آنان که گرد آورده شده بودند، کتاب پنهان را از دست مسیح گرفتند و آن را خوردند. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، آنان فرمانی را که به وسیله دست برافراشته او نمایان شده بود رد کردند؛ فرمانی که نشان می‌داد «زمان دیگر نخواهد بود.»

فیلادلفیایی میلری‌ها در پیشگویی نادرست خود درباره سال 1843 هیچ عصیانی ظاهر نداشتند، زیرا بر اساس تمامی نوری که خداوند آشکار کرده بود عمل کردند؛ اما در 18 ژوئیه 2020، لائودیکیان جنبش فرشته سوم بر ضد نوری که با دست او مرتبط بود، عصیان کردند. پس از 1844، جنبش فیلادلفیایی فرشته اول «در دوره شک و عدم اطمینان» «ایمان خود را تسلیم کردند» و لائودیکیان شدند.

1856 نمایانگر آن نقطه گذار است و نمونه‌وار نقطه گذاری را برای قوم خدا در ایام آخر مجسم می‌سازد.

در فاصله هفت سال میان ۱۸۴۹ و ۱۸۵۶، جنبش میلری فیلادلفیایی در برابر دست خداوند که برای بار دوم دراز می‌شد تا قوم خویش را گرد آورد، مقاومت کرد؛ و وعده این بود که او در آن هنگام بیش از آنچه در گذشته کرده بود، به جای خواهد آورد.

«در ۲۳ سپتامبر، خداوند به من نشان داد که او برای بار دوم دست خود را دراز کرده است تا باقیمانده قوم خویش را باز یابد، و اینکه در این زمان گردآوری باید کوشش‌ها دوچندان شود. در زمان پراکندگی، اسرائیل مضروب و دریده شد؛ اما اکنون در زمان گردآوری، خدا قوم خود را شفا خواهد داد و زخم‌های ایشان را خواهد بست. در زمان پراکندگی، کوشش‌هایی که برای گسترش حقیقت به عمل می‌آمد، تأثیر اندکی داشت و بسیار کم یا هیچ به انجام نمی‌رسانید؛ اما در زمان گردآوری، هنگامی که خدا دست خود را برای گرد آوردن قوم خویش نهاده است، کوشش‌ها برای گسترش حقیقت اثر مقصود خود را خواهند داشت. همگان باید در این کار متحد و غیور باشند. دیدم که برای هر کس مایه شرمساری است که برای راهبری ما اکنون در زمان گردآوری، به زمان پراکندگی به عنوان الگو رجوع کند؛ زیرا اگر خدا اکنون بیش از آنچه آنگاه برای ما انجام داد، انجام ندهد، اسرائیل هرگز گرد آورده نخواهد شد. انتشار حقیقت در یک نشریه، همان قدر ضروری است که موعظه کردن آن.» 1 Review and Herald، نوامبر 1850.

بدیهی است که خداوند کوشید کار خود را در یگانگی به پیش ببرد، اما آشکارا این یگانگی از هم گسسته بود، و «در دوره شک و عدم اطمینانی که پس از آن نومییدی پدید آمد، بسیاری از مؤمنان ادونتی ایمان خود را واگذاشتند.» The Present Truth (که بعدها Review and Herald نام گرفت) در

سال 1849 انتشار یافت، و تا سال 1851 نمودار 1850 در دسترس بود، اما تا سال 1856، پیام «هفت زمان» در لاویان بیست و شش ناتمام رها شد. پیامی که در 22 اکتبر 1844 مہرگشایی شد، ہنگامی واقع گردید کہ نبوت ہای زمانی دو ہزار و سیصد سال و دو ہزار و پانصد و بیست سال بہ پایان رسیدند.

سبت، تعلیمی تھا جو اُس وقت دیگر تمام تعلیمات سے بڑھ کر درخشاں تھا، اور بارہ برس تک ایک آزمائشی عمل جاری رہا، یہاں تک کہ 1856 میں آخری آزمائش آپہنچی۔ وہ آزمائش زمین کے لیے سبتی آرام کے بارے میں تھی، اور اُس نے اُس آزمائشی عمل کے اختتام کو نشان زد کیا جو انسانوں کے لیے سبتی آرام سے شروع ہوا تھا۔ اُس آزمائشی مدت پر الفا اور اومیگا کی مہر ثبت تھی۔ 1856 نے ملر کی دریافت کردہ پہلی بنیادی سچائی پر علم میں اضافے کی بھی نمائندگی کی، لہذا اُس سطح پر بھی اُس میں الفا اور اومیگا کی مہر پائی جاتی تھی۔ سبت کی سچائی، جو خدا کے مقدس ٹھہرائے ہوئے لوگوں کی نشانی ہے، ساتویں نرسنگ کے پھونکے جانے کے طور پر ظاہر کی گئی، جب مومن میں مسیح کا بھید، یعنی جلال کی امید، پورا ہوتا ہے۔ "سات زمانے" کی نمائندگی یوبیل کے اُس نرسنگ سے کی گئی تھی جیسے یوم کفارہ کے دن پھونکا جانا تھا۔

ہفت سال، 1856 سے 1863 تک، یروشلم میں شاگردوں کے لیے ان دس دنوں کی نمائندگی کرتے تھے، اور فلاڈیلفیائی میلریوں کے لیے ایکسیٹر کیمپ میٹنگ کے چھ دنوں کی بھی؛ لیکن افسوس کہ یہ مدت اُن لوگوں کی تمثیل بن گئی جو انتقالی دور میں خداوند کی راہنمائی کے مطابق اُس کے پیچھے چلنے سے انکار کرتے ہیں۔ پہلے اور دوسرے فرشتے کی تاریخ، جو سات گرجوں کے تاریخی دور پر مشتمل ہے، اس امر کی نشان دہی کرتی ہے کہ خداوند 19 اپریل، 1844 سے دوسری بار اپنے لوگوں کو جمع کرنے کے لیے اپنا ہاتھ بڑھاتا ہے، اور یہ ایک فرمانبردارانہ جواب کی تصویر پیش کرتی ہے، جب داناؤں نے مسیح کی پیروی کرتے ہوئے انتہائی مقدس مقام میں داخلہ کیا۔

د تاریخ د لومری قادش، چپ د ۱۸۴۴ خہ تر ۱۸۶۳ پورې د درېیمې فرېنټې تاریخ دی، دا څرګندوي چپ څېن تن یو ځل بیا خپل لاس غځوي ترڅو خپل قوم دوهم ځل راتپول کړي؛ خو په هماغه تاریخ کې بغاوت څرګندېږي. اوس، د درېیم ځل لپاره، د ۲۰۲۳ د جولای له میاشتې راهیسې، څېن تن یو ځل بیا خپل لاس غځوي ترڅو خپل قوم دوهم ځل راتپول کړي، او هغوی به دویم قادش د مطیعو فیلادلفیایانو په توګه پوره کړي، ځکه چې د حقیقت لاسلیک دا درې ځله داسې په ګوته کوي چې پیل او پای د مطیعو فیلادلفیایانو استازیتوب کوي، او منځنی مثال د نافرمانه لاودیکیایانو استازیتوب کوي.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«کلیساها آیا به پیام لائودکیه گوش خواهند سپرد؟ آیا توبه خواهند کرد، یا با وجود این که solemnترین پیام حقیقت—پیام فرشته سوم—به جهان اعلام می شود، همچنان در گناه ادامه خواهند داد؟ این آخرین پیام رحمت است، آخرین هشدار به جهانی سقوط کرده. اگر کلیسای خدا گرم و سرد شود، دیگر بیش از آن کلیساهایی که به صورت سقوط کرده و مسکن دیوها، مأوای هر روح ناپاک، و قفس هر پرنده ناپاک و نفرت انگیز تصویر شده اند، در نظر خدا مقبول نخواهد بود. آنان که فرصت شنیدن و پذیرفتن حقیقت را داشته اند و با کلیسای ادونتیسست روز هفتم متحد شده اند و خود را قوم خدا که احکام را نگاه می دارند می نامند، اما از نظر حیات روحانی و وقف به خدا چیزی بیش از کلیساهای اسمی ندارند، به طور قطع همان گونه بلاهای خدا را خواهند چشید که کلیساهایی که با شریعت خدا مخالفت می کنند. تنها کسانی که به وسیله حقیقت تقدیس شده اند، خانواده شاهانه را در منازل آسمانی که مسیح رفته است تا برای دوستداران خود و نگاه دارندگان احکامش آماده سازد، تشکیل خواهند داد.

«کسی که می‌گوید: «او را می‌شناسم»، اما احکام او را نگاه نمی‌دارد، دروغ‌گوست و راستی در او نیست» [1 یوحنا 2:4]. این شامل همه کسانی می‌شود که ادعا می‌کنند معرفت خدا را دارند و احکام او را نگاه می‌دارند، اما این را با اعمال نیک ظاهر نمی‌سازند. ایشان موافق اعمال خود جزا خواهند یافت. «هر که در او ساکن است، گناه نمی‌کند؛ و هر که گناه می‌کند، نه او را دیده است و نه او را شناخته است» [1 یوحنا 3:6]. این خطاب به همه اعضای کلیساست، از جمله اعضای کلیساهای ادونتیست روز هفتم. «ای فرزندان کوچک، هیچ‌کس شما را نفریبد. کسی که عدالت را به‌جا می‌آورد، عادل است، چنان‌که او عادل است. کسی که گناه می‌ورزد، از ابلیس است؛ زیرا ابلیس از ابتدا گناه می‌ورزد. از این رو پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را نابود سازد. هر که از خدا مولود شده است، گناه نمی‌کند؛ زیرا تخم او در وی باقی می‌ماند؛ و او نمی‌تواند گناه کند، زیرا از خدا مولود شده است. از این است که فرزندان خدا و فرزندان ابلیس آشکار می‌شوند: هر که عدالت را به‌جا نمی‌آورد، از خدا نیست، و نیز آن که برادر خود را محبت نمی‌نماید» [1 یوحنا 3:7-10].

ὅσοι ἰσχυρίζονται ὅτι εἶναι Ἀντιβεντιστές που τηροῦν το Σάββατο, καὶ 12:13–17»
 ὁμως εξακολουθοῦν να ζουν μέσα στην αμαρτία, εἶναι ψεύτες ενώπιον του Θεοῦ. Η αμαρτωλὴ πορεία τους αντιστρατεύεται το ἔργο του Θεοῦ. Οδηγοῦν καὶ ἄλλους στην αμαρτία. Ο λόγος ἔρχεται ἀπὸ τον Θεό προς κάθε μέλος των ἐκκλησιῶν μας: “Καὶ κάμετε ευθεῖς οδοὺς διὰ τους πόδας σας, διὰ να μὴ εκτραπή το χωλόν, ἀλλὰ μάλλον να ἰατρευθῇ. Ζητεῖτε εἰρήνην μετὰ πάντων, καὶ τον ἀγιασμόν, χωρὶς του οποιου ουδεὶς θέλει ἰδεῖ τον Κύριον· ἐπισκοποῦντες ἐπιμελῶς μήπως τις υστερήσῃ ἀπὸ της χάριτος του Θεοῦ· μήπως καμμία ρίζα πικρίας ἀναφύουσα φέρῃ ἐνόχλησιν, καὶ δι’ αὐτῆς μιανθῶσι πολλοί· μήπως εἶναι τις πόρνος, ἢ βέβηλος, καθὼς ο Ἡσαΐ, ὅστις διὰ μίαν βρώσιν ἔδωκε τα πρωτοτόκια αὐτοῦ. Διότι ἐξεύρετε ὅτι καὶ ἐπειτα, θέλων να κληρονομήσῃ την εὐλογίαν, ἀπεδοκιμάσθη· ἐπειδὴ δεν εὔρε τόπον μετανοίας, καίπερ ἐξεζήτησεν αὐτὴν μετὰ δακρύων” [Εβραίου 12:13–17]

“این سخن درباره بسیاری از کسانی صادق است که ادعا می‌کنند به حقیقت ایمان دارند. آنان به‌جای آنکه از اعمال شهوانی خود دست بردارند، در مسیری نادرست از تعلیم و تربیت، زیر سفسطه فریبنده شیطان، پیش می‌روند. گناه به‌عنوان گناه تشخیص داده نمی‌شود. همان وجدان‌های ایشان آلوده گشته، دل‌هایشان فاسد شده است، و حتی افکارشان پیوسته فاسد است. شیطان از آنان همچون طعمه‌هایی استفاده می‌کند تا جان‌ها را به اعمال ناپاکی که تمام وجود را آلوده می‌سازد، به دام کشاند. «کسی که شریعت موسی [که همان شریعت خدا بود] را خوار شمرد، به شهادت دو یا سه شاهد، بی‌رحمت کشته می‌شد؛ پس گمان می‌برید کسی که پسر خدا را پایمال کرده و خون عهدی را که به‌وسیله آن مقدس شده بود، ناپاک شمرده و به روح فیض اهانت کرده است، به چه اندازه مستوجب مجازاتی سخت‌تر خواهد بود؟ زیرا او را می‌شناسیم که گفته است: انتقام از آن من است، من جزا خواهم داد، خداوند می‌گوید. و نیز: خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد. افتادن به دست‌های خدای زنده چیز هولناکی است» [عبرانیان 10:۳۱-۳۱].”

Manuscript Releases, جلد 19، 176، 177.